

کشگول

در ذیل این عنوان سالهای پیشینه مطالب مختصر سودمند نگاشته میشود و چندی متروک ماند اینک بتقاضای بعضی از مشترکین از نو آغاز می شود .

تاسخ

عقیده تاسخ یادگار اعصار قدیم است و مرکز این عقیده مصر است و از آنجا بهمه جا سرایت کرده (هردوت) شاعر شهیر یونان پنج قرن قبل از میلاد میگوید : « اهل مصر اول قومی هستند که ببقای روح قائل شده و میکوبند پس از هلاکت جسد روح انسانی در اجسام حیوانات آبی و خاکی و هوایی بنوبت داخل و خارج می شود و پس از سه هزار سال بجسد انسان دیگر می گردد .

از فلاسفه یونان فیثاغورس بسبب تعلیم و فرا گرفتن علوم مصریان بدین مذهب معتقد بوده و گمان داشته است که روح (یوفرانس) باتوس (که از معاصرین جنک ترواده است پس از طی دوره حلول در اجساد حیوانات در بدن فیثاغورس در آمده و دعوی میکرده که حوادث واقعه از زمان (یوفرانس) تا کنون بر روح خود همه را بخاطر دارد .

آثار شیست در اسلام

آثار شیست و مساوات طلب در اسلام از اوایل اسلام ظهور کرد ولی نه بشکل امروز بلکه بصورت دیگر .

﴿خوارج﴾

خوارج که باعث شهادت علی علیه السلام شدند نخست طایفه انار شیست

و مساوات جوو منکر برتری شخصی در اسلامند

سه تن ازین طایفه بر قتل سه نفر همدستان شدند علی ع و معاویه و عمرو بن عاص و یکی از آنان هنگام معاهده چنین گفت
 (لو شربنا انفسنا و قتلنا ائمة الضلالة ارحنا البلاد منیر)
 یعنی اگر بقیعت جان خود این سه نفر را بکشیم ارزش دارد زیرا
 هالمیان آسوده میشوند .

طایفه دیگر از خوارج که باسر (محکمه اولی) مشهور شدند هنگام
 پیش آمد قضیه حکمین در صفین گفتند که اصلا در عالم امام نباید وجود داشته
 باشد و اگر احتیاج الزام کرد هیچ فرقی بین بنده و ازاد و نبطی نیست .
 یکطایفه از خوارج به (نهجیات) بسبب نجدة بن عامر خیفی معروفند
 و عقیده آنانست که بشر حاجت به پیشوا و فرمانده ندارد و کارها بمناصفت
 و حکمیت باید انجام گیرد ولی هرگاه بدون پیشوا ممکن نشد انوقت جایزاست
 بر گزیدن امام و پیشوا .

اسماعیلیه

فرقه اسماعیلیه بزرگترین طایفه انار شیهست اسلامیند و صاحب کشف اصطلاحات
 الفنون گوید :
 اساس دعوت اسماعیلیه ابطال و تخریب شریعت اسلام و سایر مذاهب
 است و اینان بقایای طایفه (غباریه) فارسی میباشند ، غباریه پس از آنکه
 در برابر شوکت اسلام زبون و بیچاره شدند بظاهر اسلام را قبول و در باطن
 احکام شرع را مطابق آئین بدران خود تاویل میکردند تا بدین وسیله اختلاف در
 اسلام پدید آورده و بمقصود خود برسند .

از معالجات بو علم سینا

ابو طالب علوی وزیر را بر پیشانی شورات چند پدید آمد و از علاج عاجز
 ماند و بوسیله ابیات ذیل بشیخ الرئیس پناه برده و مداوا طلبید .

صنیعة الشیخ مولانا و صاحبه و غرس انعامه بل انشاء نعمته
 يشکو الیه ادام الله مدته اثار بشر تبدی فوق جبهته
 فامنن علیه بحسرم الداء مغنما شکر النبی له مع شکر عترته
 بو علی سینا کیفیت معالجه را منظوم داشته و برای او نسخه فرستاد

بشرح ذیل .

الله یشفی و ینفی ما بجبهته من الاذی و یعافیه برحمته
 امالعلاج فاسهال یقدمه ختمت اخر ایاتی بنسخته
 ولیرسل العلق الحصاص یرشف من دم القذال و یغنی من حجامته
 واللحم یرجره الا الخفیف و لا یدنی الیه شرابا من مدامته
 والوجه یظلمه ماء الورد معتصرا فیه الخلاف مدافا وقت هجمته
 و لا یضیق منه الزرمختقا و لا یصیحن ایضا عند سخطه
 هذاالعلاج و من یعمل به سیری اثار خیر و یکفی امر علتہ

موسیقی در عرب

عرب با علم موسیقی و نواختن آلات طرب جز طبل و دهل آشنا نبوده و این علم را در قرن اول هجری از فارسیان آموخته است .

صاحب اغانی گوید . یکی از اسرای فارسی موسوم به (سائب خاثر) غلام عبدالله بن جعفر که نواختن عود را نیکو میدانست در مدینه نمودی ساخته و بفارسی برای عبدالله مینواخت و بتدریج نواختن اشعار عربی را آغاز کرد و اول شعری که در عرب با ساز و آواز نواخته شد این است .

لمن الدیار رسوما قفر لعبت بها الارواح و القطر
 و خلاها من بعد ساکنها حجج مضین ثمان او عشر
 و الزعفران علی ترائبها شرقی به اللبات و الذجر

در جای دیگر گوید : ابن سریج اول کسبست که در عرب نواختن آموخت و آغاز کرد و سبب آنست که چون عبدالله بن زبیر پس از هدم کعبه در صدد ساختن کعبه برآمد معماران فارسی و بناها از ایران برای ساختن بمکه آمدند و در میان آنان اهل موسیقی و نوا زنده ساز بسیار بود ابن سریج از آنان آموخت و بنواختن مشغول شد .

استعمال دود

این عادت از تمدن جدید است و در قدیم وجود نداشته گویند تنباکو از نباتات امریکا است و پس از اینکه کریستوف کلمب بکشش امریکا موفق شد در سنه ۱۴۲۲ مسیحی (تقریباً پانصد سال قبل) طایفه از وحشیان را دید که گیاهی را از یکسر آتش زده و از سر دیگر دود آنرا در دهان و مغز خود فرا میکشند اول از اینکار تعجب کرد ولی طولی نکشید که تمام همراهان وی باینکار عادت کرده و آنرا باروبا نقل داده بکمترین مدت در تمام اقطار عالم منتشر گردند پیدایش تنباکو که در امریکا به تنباک مشهور است در مشرق تقریباً سیصد و پنجاه سال قبل ازین بوده و یکی از شعرای مولدین ماده تاریخ ظهور را چنین بیان کرده است :

سئلونی عن الدخان و قالوا هل له فی کتبا بنا ایماء
قلت ما فرط الکتاب بشئی ثم ارخت (یوم تاتی السماء)

۱۰۰۰

صنعت اکتفا هم در مصراع تاریخ بکار رفته یعنی . « یوم تاتی السماء بدخان مبین »

سخنهای بزوک

بد خلقی اهل و عیال را از مرد بیزار میکند . حسد بر دوستان بردن نشان خلاف دوستی است . دنیای تو همان وقتی است که در آن هستی .

صاحب عجب از رای و خداوند تکبر از رفیق مهجور است ، حسد بر نعمت
دوستان دلیل پست همتی است . دروغگو متمم است گر چه راست بگوید .
خود پسندی دو رای بر هر کس غالب شد مغلوب دشمن است .
چهار چیز چهار چیز در بی دارد ، سکوت سلامت خوبی کرامت .
بخشش بزرگی . شکران زیادت .

❖ رباعی - جناس ❖

کاش آنکه مرا خانه نشین کرد بکاشان دیدی که چه من میکشم از زحمت کاشان (۱)
کاشانه اش آباد مرا در حق او نیست نفرین بجز از اینکه شود ساکن کاشان

❖ دریای لفظ ❖

از آثار جدید آقای بینش

خاک خوزستان بود يك كان بر پهنای لفظ	كان بر پهنای چه باشد بیکران دریای لفظ
هست او قیانوس روی خاک و زینم در شکفت	زیر این خاک است او قیانوس بر پهنای لفظ
لفظ مایم زیر خاک است و بخار اندر هوا	میتوان گفتن که خوزستان بود دریای لفظ
میتواند عالمی را سوختن و افروختن	آتش آسا آب بنزین آب آتش زای لفظ
لفظ و بنزین عامل جنبش بود چون در جهان	می بجنباند جهان را هر که شد دارای لفظ
لفظ و بنزین را چه شیرینی است در کام زمان	کاین جهان پر شور بنزین بنمرو غوغای لفظ
گرم بازاری سزد سودا گری را بی سخن	گو ببازار تجارت می برد کالای لفظ
گر نه سودای جهانسوزی بود اورا بر سر	انگلستان از چه در سر میزد سودای لفظ
سوی چاه لفظ رفتم موشکاف و گنجگاو	تا ببینم چون بر آید از زمین سیمای لفظ
گنبد گردون بلر زانیدی این دیدم بچشم	از برون جستن ستون آسمان فرسای لفظ
برش چند از مهندس کردم و پاسخ بگفت	گر چه او سرمست بود از شاه صهبای لفظ
لفظم این آب است یا آتش که تا گردون رود	گفت آب آتشین سیال گردون سای لفظ

گفتمش این سرکشی چه بود بگفتا می سزد
 طننرا گفتم که مشکین فام چون لیلی است گفت
 من در این اندیشه کاین کان گرفتد در دست ما
 دستگاه تصفیه با فرو و فرو با صفیر
 گفت دانی در کنار رود کارون چون کنند
 پس بگفتا رود کارون کمزکان نطف نیست
 از چه رو نارید اب رفته کارون بجوی
 آری اری رود کارون کان نطف دیگر است
 اب کارون ابروی ماست ریزد در خایج
 در شکفتم این چه خواب و غشوه بود اسلاف را
 چون بخوزستان شدی بپیش زگر ما پر منال
 ادیب فاضل و شاعر نیرومند آقای (پیش) یکی از عوامل مهم ادبیات
 عصر جدید و روزگار نوین و آثار گرانبهای نظم و نثر وی اغلب جرائد
 و مجلات دوره انقلاب درج است علاوه بر مقام ادبی رتبه اداری و صحت
 عمل و فعالیت وی در وزارت مالیه بر احدی پوشیده نیست که همواره مصدر
 مشاغل مهمه بوده و بخوبی انجام داده است دوست و دشمن لیاقت و درستی
 و جدیت او را انکار نمی توانند کرد. مگر بهمین گناه و پساداش خدمات
 برجسته سالی میگذرد که از مرکز دور و در سخت ترین نقاط با اینکه مرکز
 بوجود او محتاج است عاطل و باطل مانده

ما نظر دقت وزیر محترم مالیه و سایر دوستان ترقی و تعالی مملکت
 را بدین نکته معطوف و امیدواری داریم که زودی آقای پیش به مرکز عودت
 و بانجام کارهای ادبی و اداری اشتغال ورزند زیرا میدانیم در اول روزگار
 پیری با مزاج علیل برای آقای پیش توقف ناستان در اهواز خطر ناکست .